

روش تبلیغ ارزشهای دینی برای دانش‌آموزان دبستانی (۱)



فرهنگ اجتماعی و سیاسی کشورمان، می‌بینیم که اتکا به روش تحمیلی و دیکنه کردن تا حدی عام و فراگیر است و حتی ریشه تاریخی دارد. بر این پایه، این سوال در ذهن ایجاد می‌شود که به راستی با توجه به اوضاع و شرایط کنونی تعلیم و تربیت، این روش تا چه حد در تعلیم و تربیت اجتماعی به طور اعم و تربیت دینی به طور اخص، می‌تواند مثر شمر باشد؟ آیا یافته‌های اخیر روان‌شناسی تحولی و یادگیری در زمینه شناخت روحیات و ویژگیهای سنی کودک به ما اجازه می‌دهد که از فرهنگ اجتماعی و سیاسی مسلط تبعیت کنیم؟

ما معتقدیم که محتوای کتب تعلیمات دینی در دوره ابتدائی بر اساس روش خطابه‌ای و تبلیغی و مطابق با شرایط سنی بزرگسالان سازمان‌دهی شده است و سعی دارد عقاید و ارزشهای مورد نظر بزرگسالان را مستقیماً به دانش‌آموزان القا کند. در واقع، دانش‌آموزان را بزرگسال فرض کرده و میان بزرگسال فعلی و بزرگسال آینده تفاوتی قائل نشده است. به عنوان نمونه، توجه خوانندگان عزیز را به نمونه‌ای از حاکمیت روش خطابه‌ای که از صفحه ۷۵ کتاب تعلیمات دینی پایه چهارم و به نقل از سخنان امام رضا (ع) برگزیده‌ایم، جلب می‌کنیم:

«از من به دوستانم سلام برسان. بگو، کاری نکنند که شیطان در پندار و رفتارشان راه یابد. بگو راست بگویند، امانتدار باشند. در کارهای بیهوده وارد نشوند. با یکدیگر رفت و آمد کنند، معاشرت داشته باشند، دوستی نمایند، به یکدیگر روی آورند. بدین ترتیب من به آنان نزدیک و مهربان خواهم شد. بگو به جان یکدیگر نیفتند، باهم دشمنی نکنند. خدا کسانی را که باعث اختلاف و دشمنی مردم

تعلیم و تربیت به طور اعم و تربیت دینی به طور اخص در هر جامعه‌ای، بر جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه استوار است و بر پایه آن، رفتار مطلوب و ارزشی ترسیم می‌شود. با توجه به حساسیت امر تعلیم و تربیت نسل آینده و اتخاذ روشهای صحیح در تسهیل‌سازی این امر، روش تربیت در دوره‌های مختلف تحصیلی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نظر داریم پاره‌ای از نارساییها و نابسامانیها را مطرح کنیم. اشاعه ارزشهای اعتقادی در دوره‌های تحصیلی، اصل غیر قابل انکاری است، اما نکته قابل اهمیت، روش ارائه و اشاعه آن است و ما سعی داریم در این مقاله به بررسی چنین نکته‌ای پردازیم.

شیوه اشاعه تعلیم و تربیت دینی بزرگسالان، غالباً به صورت خطابه‌ای یا تبلیغی و بیشتر بر پایه دستور مستقیم است. گوینده یا خطیب سعی دارد شنونده را نسبت به قبول اعتقادات و ارزشهای خاصی ترغیب کند و لذا از مفاهیم ارزشی و اعتقادی در سطحی گسترده و بی‌هیچ محدودیتی سود جوید. ما در این مقاله سعی می‌کنیم تا میزان رسوخ این روش را در تربیت دینی دانش‌آموزان دبستانی بررسی و تحلیل کنیم.

آیا دست‌اندرکاران امر، به دلیل شرایط سنی و تحولی دانش‌آموزان این حیطة خاص، ویژگیهایی را در نظر گرفته‌اند؟ آیا هیچ تفاوتی بین دانش‌آموزان این دوره و بزرگسالان قائل شده‌اند؟ به راستی این روش تا چه حد می‌تواند موثر باشد؟

ویژگی خاص بعضی فرهنگها در زمینه روش تربیتی بر القاء و تحمیل ارزشها متکی بوده است و این خصوصیت، نسبت به فرهنگهای دیگر برجستگی ویژه‌ای دارد. با تفحصی گذرا در



دینی دوره دبستان، تمام جمله‌هایی که در متن کتب ارزش تحمیلی دارند، شناسایی و از تعداد آنها در هر پایه فراوانی اخذ شد. در شناسایی ارزش تحمیلی، ضمن تاکید احترامی که ما به عنوان بزرگسال برای «باید ما» به جهت ایمان به ایدئولوژی خاص قائلیم، آن را شاخص قرار دادیم. بر این اساس، دفعات تکرار کلمه «باید» که به کودک تحمیل شده، پایه محاسبه قرار گرفته است. توجه به این نکته ضروری می‌باشد که باید‌های ارزشی گاه آشکارا با تاکید بر کلمه «باید» و گاه بدون تاکید بر کلمه «باید» در کتب به کار گرفته

می‌شوند، به سخت‌ترین عذاب مجازات می‌کند.»
ما نیز معتقدیم که سخن گوهریار امام هشتم باید اساس زندگی مسلمین قرار گیرد و بر ماست که آن را به طریق صحیح اشاعه دهیم. اما آیا به این شکل مطرح کردن این حدیث گرانقدر برای دانش‌آموزان، آن هم در این دوره سنی می‌تواند در نفوذ عقاید صحیح دینی به عمق ذات و جانیشان که در مقدمه کتاب به عنوان هدف بیان شده است، موثر باشد.
به منظور بررسی میزان نفوذ شیوه خطابه‌ای در کتب تعلیمات

علاوه بر این، از جملاتی که بدون کاربرد کلمه «باید»، ارزشی را تحمیل می‌کنند، فراوانی اخذ شد، مثل: «همیشه از جلو خودتان غذا را بردارید و به غذایی که جلو دیگران است، دست نبرید و پرخوری نکنید.» این جمله در صفحه ۴۱ پایه دوم نقل شده است.

اما از جملاتی نظیر: «قلم و کاغذ برایم بیاورید» که در صفحه ۴۴ پایه سوم، نقل شده است، به دلیل عدم کاربرد کلمه «باید» و نیز به دلیل فقدان بار ارزشی و اعتقادی، فراوانی اخذ نشد. به این ترتیب، سعی کردیم تا مفاهیم اساسی پژوهش ما مانند ارزشی، غیر ارزشی، صریح و غیر صریح را توصیف و تعریف کنیم. در واقع، جملات ارزشی و صریح که متضمن «بایدها» هستند، احتمالاً از نظر دستور زبان فارسی، وجوه امری و التزامی از وجوه ششگانه افعال، یعنی اخباری، التزامی، شرطی، امری، وضعی و مصدری را دربر می‌گیرند.

در متن کتب تعلیمات دینی دبستان، تحمیل ارزشها به اشکال دیگری نیز به نحو غیر مستقیم تری وجود دارد که در این پژوهش از آنها فراوانی اخذ نشد. به این منظور می‌توان به متن زیر که از صفحه ۷۵ تعلیمات دینی پایه چهارم نقل شده، و عموماً از وجوه اخباری است، توجه کرد:

«هیچ‌گاه ندیدم که امام رضا با سخن تندى دل موسى را بیازارد، هرگز بین سخن کسی صحبت نمی‌کرد و حرف او را قطع نمی‌نمود و می‌فرمود کسی که در بین صحبت دیگری لب به سخن گشاید مثل این است که چهره او را خراشیده است. تقاضای مسلمانان را رد نمی‌کرد و تا آنجا که می‌توانست همگان را یاری می‌فرمود. مگر اینکه برایش انجام کاری ممکن نبود، که در این صورت با مهربانی عذر می‌خواست. با همه به احترام و ادب رفتار می‌کرد.»

همچنین در خصوص جملاتی که احتمالاً از وجوه سوالی ششگانه افعال هستند و در محاسبه فراوانی ارزشها منظور نشده‌اند، به عنوان مثال می‌توان از صفحه ۲۵ پایه دوم یاد کرد که به طور غیر مستقیم، عقاید و ارزشها را به دانش آموز تحمیل می‌کند:

«آیا اشخاص نیکوکار و بدکار پیش خدا مساوی هستند؟ آیا نیکوکاران پاداش ندارند؟ آیا بدکاران به سزای کارهایشان نخواستند رسید؟ بله حتماً خواهند رسید.»

علاوه بر این، در اخذ فراوانی جملات با تحمیل ارزشها، اولاً: روابط بین شخصی شاخص گزینش بوده است و لذا، جملات مربوط به وحی و مناجات در محاسبه منظور نشده است.

ثانیاً: در روابط بین شخصی، روابط بین معصومین مستثنی شده است، لذا فراوانی جملات ارزشی مربوط به آنها نیز مورد محاسبه قرار نگرفت، ثالثاً: در صورتی که میزان تحکم و التزام جمله با عباراتی نظیر «ممکن است» و «شاید»، در سطح پایین تری



شده است. از دیدگاه این پژوهش، استفاده از کلمه «باید» ارزشی «باید صریح»، و استفاده غیر آشکارا از آن «باید غیر صریح» نامیده می‌شود. لازم به ذکر است که از بایدهایی که ضرورتاً تبیین‌کننده ارزشهای اعتقادی نبود، فراوانی اخذ نشد. برای مثال، از «باید» این جمله: «ما باید به پدر و مادر خود احترام بگذاریم» که در صفحه ۴۴ کتاب تعلیمات دینی پایه دوم نقل شده و باید صریح است، فراوانی اخذ شد، اما از باید این قبیل جملات: «قاضی باید از ما باشد» به جهت کاربرد باید غیر ارزش، فراوانی اخذ نشد.

قرار گرفت، از محاسبه فراوانی آنها نیز چشمپوشی کردیم، رابعاً؛ رابطه تباین مربوط به جملات ارزشی صریح و جملات ارزشی غیر صریح نیز رعایت شد و لذا از هر جمله ارزشی فقط یک بار فراوانی اخذ شد، خامساً؛ علی‌رغم آنکه گاهاً کلمه «واجب» در متن درس مترادف کلمه «باید» مورد استفاده قرار گرفت، از آنها نیز به عنوان تحمیل ارزشها که بر باید صریح مبتنی است، فراوانی اخذ نشده است، سادساً؛ صرفاً متن درس کتاب تعلیمات دینی در این زمینه مورد مطالعه قرار گرفت و لذا در اخذ فراوانی، قسمت درس قرآن مد نظر قرار نگرفت.

بر پایه روش تعریف شده فوق، صرفاً متن درس کتب تعلیمات دینی پایه‌های ابتدائی مورد مطالعه قرار گرفت و سرانجام، فراوانی تعداد جملات محاسبه شده مربوط به تحمیل ارزشها به تفکیک پایه‌های دوره ابتدائی تنظیم شد که در جدول زیر ملاحظه می‌کنید.

که پژوهشی توصیفی است، برای دستیابی به پاسخ سؤالاتی از این قبیل که: آیا روش تربیت و تبلیغ دینی مبتنی بر خطابه می‌تواند به همان میزان که بر بزرگسالان اثر می‌گذارد، به عنوان روش آموزشی دانش‌آموزان دبستانی مثر و واقع‌شود و در نفوذ عقاید صحیح دینی به عمق ذات و جانیشان که در مقدمه این کتب به عنوان هدف بیان شده است، مؤثر واقع شود؟، نیازمند به پژوهش تجربی دیگری است که بعد از تدریس کتب باید به مطالعه میزان اثر آن در دانش‌آموزان پرداخت. این بررسی حداقل نشان می‌دهد که کتب تعلیمات دینی دوره ابتدائی با توجه به شرایط سنی و تحولی دانش‌آموزان ابتدائی، محدودیتی اساسی بر خود هموار ننموده است و روش تربیت و تبلیغ دینی برای بزرگسالان و دانش‌آموزان را تا حدود زیادی یکسان در نظر گرفته است و سعی دارد بدون در نظر گرفتن آمادگی‌های خاص این سطح سنی، مسنادی عقاید

جدول فراوانی جملات مربوط به تحمیل ارزشها

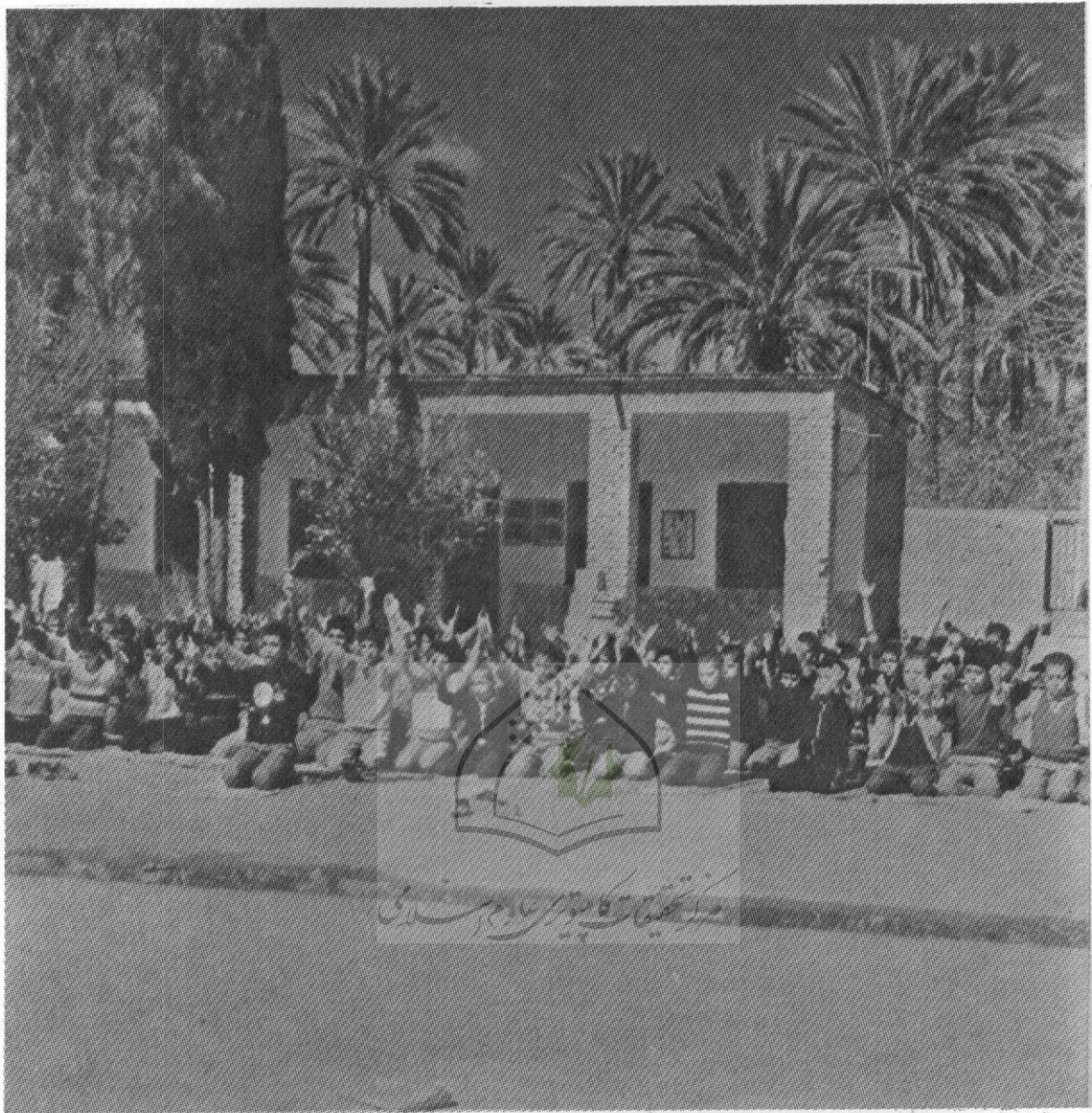
ردیف	باید	دوم	سوم	چهارم	پنجم	جمع
۱	صریح	۷	۱۵	۱۴	۲۵	۶۱
۲	غیر صریح	۵۵	۷۵	۷۹	۱۴۹	۳۵۸
	جمع	۶۲	۹۰	۹۳	۱۷۴	۴۱۹

شایان توجه است که مجموع فراوانی تحمیل عقاید ارزشی در شرایطی از کتب تعلیمات دینی پایه‌های ابتدائی به دست آمده که به انحاء گوناگون، شاخص تحمیل عقاید مستثنی شده است، لذا اگر شاخص را گسترده‌تر در نظر می‌گرفتیم، مجموع فراوانی جملات بالاتر از داده‌های ذکر شده در جدول - به دست می‌آمد. با توجه به فراوانی مشاهده شده در سطح جمله و نه کلمه، به راستی این کتب تا چه حد بار آموزشی و شناختی جهت ایجاد آگاهی و نگرش مثبت در دانش‌آموزان دارند؟

بررسی انجام شده روی کتب تعلیمات دینی دوره دبستان از نظر میزان استفاده جملات مربوط به تحمیل ارزشها از این حیث

بزرگسالان باشد.

شایان توجه است که ایدئولوژی، چیزی جز مجموع «باید» ما در نظام اعتقادی نیست، و انسان برای سالم و پویا زیستن، باید بر این «بایدها» دست یابد، لکن به زعم این مقاله پژوهشی، بایدهایی که از درون جوشیده باشد، بیش از بایدهای ارزشی تحمیل شده از بیرون در استحکام و کارآمدی در زندگی اجتماعی برخوردار است. به علاوه، دانش‌آموزی که در جهان‌بینی اسلامی به طور فطری متوجه خدا، دین و به ویژه دین اسلام و بایدهای ارزشی مبتنی بر آن است، آیا تا این اندازه برای شکوفایی استعدادهای فطریش نیاز به فشار فرهنگی بیرونی دارد؟ آیا روشهای دیگری



تربیت می‌شوند، در دوران تجدید نظرهای شخصی بلوغ، با چه مشکلات احتمالی مواجه می‌شوند؟ رابعاً: دانش‌آموز چه احساسی و نگرشی نسبت به روش تربیت دینی خود دارد؟»

همه این ملاحظات می‌تواند پایه‌ای برای پژوهشی اساسی در تربیت دینی دانش‌آموزان دبستانی باشد. توجه به این سؤال اساسی لازم است که: «آیا غیر از تربیت و تبلیغ دینی به کار گرفته شده در کتب تعلیمات دینی برای دانش‌آموزان، روش دیگری وجود ندارد؟»

در صورت وجود روشهای دیگر، آن روشها کدامند؟ پاسخ این سؤال را در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبردهای عملی در تربیت دینی دانش‌آموزان دوره دبستانی» جستجو می‌کنیم.

برای تربیت و تبلیغ دینی برای دانش‌آموزان این دوره وجود ندارد که آنان را آگاهانه در جهت بایدهای ارزشی سوق دهد؟

در پایان این مقاله، نظر خوانندگان عزیز را به این نکته جلب می‌کنیم که ما نیز به پابندی دانش‌آموزان نسبت به بایدهای ارزشی اعتقاد راسخ داریم، و نیز به عدم استفاده از باید در زندگی روزمره و کتب درسی تعلیمات دینی معتقد نیستیم. بلکه بر این نکته تأکید داریم که با حجم بالای تحمیل عقاید ارزشی، اولاً: دانش‌آموز تا چه میزان از بیرون، احساس فشار در قبول یا رد مفاهیم ارزشی، و باور دینی دارد؟ ثانیاً: با کاهش حجم جملات مربوط به ارزشهای اعتقادی، تا چه حد باور درونی شده در دانش‌آموز سیر صعودی به خود خواهد گرفت؟ ثالثاً: این قبیل دانش‌آموزان که با این روش